پنداشت جهانیان به آینده

محمدرضا فتحی[1*]، سیده نرگس حسینی امین[2]
۱گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

امید به آینده از مؤلفه‌های مهم وضعیت اجتماعی جوامع است و با نگرش افراد نسبت به آینده، مشارکت اجتماعی و رفتارهای فردی و جمعی ارتباط دارد. کاهش امید می‌تواند به افزایش بی‌اعتمادی، فردگرایی و منفعت‌طلبی کوتاه‌مدت و تضعیف مشارکت اجتماعی منجر شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت امید به آینده در ایران و جهان و شناسایی روند تغییرات آن انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی ـ تحلیلی است و با استفاده از روش اسنادی و تحلیل داده‌های ثانویه انجام شده است. داده‌ها از پیمایش‌های اجتماعی، گزارش‌های آینده‌پژوهی و شاخص‌های بین‌المللی مرتبط با امید به آینده گردآوری و در چارچوب نظریه امید اسنایدر، نظریه پنجره‌های شکسته و دیدگاه عقل بقاء تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد امید به آینده در ایران طی دوره مورد بررسی روندی کاهشی داشته و نگرش بدبینانه نسبت به آینده افزایش یافته است. همچنین، ناامیدی درباره آینده در میان مسائل مهم کشور قرار گرفته و میان خبرگان بخش دولتی و خصوصی درباره اهمیت این مسئله شکاف وجود دارد. در سطح جهانی نیز وضعیت امید میان کشورها متفاوت است و عواملی همچون رشد اقتصادی، نوآوری، آموزش و ثبات سیاسی با آن ارتباط دارند. امید به آینده پدیده‌ای صرفاً فردی نیست، بلکه با شرایط عینی و ادراک جامعه از امکان تغییر و اصلاح شرایط ارتباط دارد؛ ازاین‌رو، تقویت آن مستلزم ایجاد شواهد واقعی از امکان بهبود، افزایش اعتماد و کارآمدی نهادی و تقویت مشارکت اجتماعی است.

واژه‌های کلیدی: امید به آینده، امید اجتماعی، ناامیدی، سرمایه اجتماعی، شاخص امید جهانی.

مقدمه

امید یکی از مؤلفه‌های اساسی زندگی فردی و اجتماعی و از عناصر مهم در شکل‌گیری نگرش انسان نسبت به آینده است. امید را می‌توان ظرفیت درک‌شده برای تولید مسیرهایی به‌سوی اهداف مطلوب و انگیزه درک‌شده برای حرکت در این مسیرها دانست. به بیان ساده‌تر، امید به معنای توانایی طراحی مسیرهایی برای دستیابی به اهداف مطلوب، به‌رغم وجود موانع، و همچنین توانایی ایجاد و حفظ انگیزه لازم برای آغاز و تداوم حرکت در این مسیرهاست. بر این اساس، امید فرایندی است که طی آن افراد اهداف خود را تعیین می‌کنند، راهبردهای لازم برای دستیابی به این اهداف را توسعه می‌دهند و انگیزه مورد نیاز برای اجرای آن‌ها را در طول مسیر ایجاد و حفظ می‌کنند(اسنایدر[1] و همکاران، ۲۰۰۲).

اهمیت امید صرفاً به سطح فردی محدود نمی‌شود، بلکه در سطح اجتماعی نیز پیامدهای قابل‌توجهی دارد. امید به آینده می‌تواند زمینه‌ساز حفظ انسجام اجتماعی، تقویت همکاری، مشارکت در فعالیت‌های جمعی و

[1] Snyder

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

افزایش انگیزه برای اصلاح و بهبود شرایط موجود باشد. در مقابل، فقدان امید و گسترش ناامیدی می‌تواند زمینه را برای کاهش عقلانیت جمعی و غلبه «عقل بقاء» در مناسبات اجتماعی فراهم کند؛ وضعیتی که در آن افراد بیش از پیش به حفظ منافع و بقای فردی خود می‌اندیشند و در نتیجه، زمینه برای اتمیزه‌شدن جامعه و گسترش منفعت‌طلبی انفرادی فراهم می‌شود (جباری دارستانی، ۱۳۹۸).

از این منظر، امید به آینده را نمی‌توان صرفاً یک احساس یا نگرش فردی تلقی کرد؛ بلکه باید آن را پدیده‌ای اجتماعی دانست که با وضعیت سرمایه‌های فیزیکی، فکری و اجتماعی، اعتماد نهادی، ارزیابی عملکرد نظام حکمرانی، ثبات سیاسی و شرایط اقتصادی جامعه ارتباط دارد. هنگامی که افراد جامعه چشم‌انداز روشنی از آینده نداشته باشند و نسبت به امکان بهبود شرایط موجود تردید کنند، پیامدهای این وضعیت می‌تواند در قالب افزایش بی‌اعتمادی، کاهش مشارکت اجتماعی، کاهش همکاری در پروژه‌های ملی، افزایش تمایل به مهاجرت، قانون‌گریزی، منفعت‌جویی کوتاه‌مدت و سایر رفتارهای فردگرایانه و اجتماعی نمود پیدا کند.

برای درک بهتر این وضعیت جنگلی را درنظر بگیرید که در یک تعطیلات آخر هفته برای تفریح با خانواده خود به آن مراجعه کرده‌اید. وقتی به آنجا می‌رسید، می‌بینید که خانواده‌های بسیاری نیز همچون شما به آن جنگل آمده‌اند و در حال گذران وقت و شادی با خانواده خود هستند. دراین‌میان خانواده‌های حواس‌پرتی وجود دارند که هیچ‌یک از اقلام مورد نیاز خود را نیاورده‌اند و به‌همین‌دلیل برای تأمین آن‌ها به خانواده‌های مجاورشان مراجعه کرده و خانواده‌ها نیز (عموماً) درخواست آن‌ها را اجابت می‌کنند. درهمین‌حین دود سیاه عظیمی از آن سوی جنگل نمایان می‌شود و نظر تمام افراد حاضر در جنگل را به خود جلب می‌کند. ناگهان نظم و آرامش حاکم در آنجا جای خود را به التهاب، اضطراب و آشوب می‌دهد و همه مردم بر اساس منطق برخاسته از عقل بقاء تمام تلاش خود را می‌کنند که خود را به ماشینشان رسانده و هر طور که شده، خود و اعضای خانواده‌شان را نجات دهند. این در حالی است که پیش از آنکه آتش به آن‌ها برسد، تعدادی از مردم زیر دست‌وپا و ماشین‌های درحال‌فرار جان خود را از دست داده‌اند. در این وضعیت شما دیگر با جامعه‌ای (اعضای حاضر در پارک) منسجم و یک جمع و اجتماع مواجه نیستید؛ بلکه با جامعه‌ای اتمیزه مواجه‌اید که اعضای آن بدون هیچ ارتباطی با یکدیگر فقط و فقط به فکر حفظ بقاء خود هستند. آنچه اخلاق ارتباطی را پیش از مشاهده دود حفظ می‌کرد، نوعی تصور ناخودآگاه از امنیت و درنتیجه امید به تداوم همان فضای امن و آرام بود؛ حال در یک لحظه، آن امید به آینده امن، از دست رفته بود.[1]

مثال جنگل نشان می‌دهد که چگونه از دست رفتن احساس امنیت و امید به تداوم یک وضعیت مطلوب می‌تواند در مدت کوتاهی منطق کنش افراد را از همکاری و توجه به دیگران به سمت حفظ بقاء و منافع

[1] با اقتباس از: جباری دارستانی، ۱۳۹۸

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

فردی سوق دهد. این وضعیت در فضای واقعی جامعه نیز می‌تواند در مواجهه افراد با شرایط و مسائل مختلفی که سرمایه‌های فیزیکی، فکری و اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نمود پیدا کند.

در فضای واقعی، افراد جامعه با موارد مختلفی مواجه‌اند که به‌سمت سرمایه فیزیکی، فکری و اجتماعی آن‌ها یورش می‌برد و به‌همین‌دلیل آن‌ها را دچار نوعی ناامیدی و یأس از بهبود شرایط موجود می‌کند و زمینه را برای بروز احساساتی چون خودمحوری، منفعت‌طلبی، حس عقب‌ماندن از دیگران و ... در فرد ایجاد می‌کند که نتایجی را مانند افزایش میزان مهاجرت، افزایش بی‌اعتمادی نسبت به تصمیم‌گیری‌های دولت، عدم‌مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، عدم‌همکاری در پروژه‌های ملی، افزایش اعتراضات عمومی، افزایش اختلافات خانوادگی، گرایش به مصرف مواد مخدر، طلاق، قانون‌گریزی، تمایل به منفعت‌جویی حداکثری در کوتاه‌ترین زمان ممکن و ... در پی دارد. بر این اساس، پرسش اصلی تحقیق عبارت است از اینکه وضعیت امید به آینده در ایران و جهان چگونه است و چه روندی را طی کرده است؟

چارچوب نظری

برای تبیین نظری مسئله امید به آینده و پیامدهای اجتماعی ناشی از کاهش آن، می‌توان از مجموعه‌ای از نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با مفهوم امید، ادراک شرایط اجتماعی و نحوه واکنش افراد و جامعه به وضعیت‌های نامطلوب بهره گرفت.

بر اساس دیدگاه اسنایدر و همکاران(۲۰۰۲)، امید فرایندی است که طی آن افراد ابتدا اهداف خود را تعیین می‌کنند، سپس مسیرها و راهبردهای لازم برای دستیابی به اهداف را توسعه می‌دهند و در نهایت انگیزه لازم برای حرکت در این مسیرها را ایجاد و حفظ می‌کنند. بنابراین، در نظریه امید، برخورداری از هدف به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه فرد باید هم امکان یافتن مسیر رسیدن به هدف را درک کند و هم انگیزه لازم برای پیمودن آن مسیر را داشته باشد. از این منظر، امید با تصور فرد از آینده و ارزیابی او از امکان دستیابی به وضعیت مطلوب ارتباط دارد. هرچه فرد امکان بیشتری برای یافتن مسیرهای دستیابی به اهداف و توانایی بیشتری برای حرکت در این مسیرها ادراک کند، سطح امید او بالاتر خواهد بود.

در سال ۱۹۸۲ میلادی دو محقق به نام‌های جورج کلینگ و جیمز ویلسون مقاله‌ای با عنوان «پنجره‌های شکسته» در ماهنامه آتلانتیک به چاپ رساندند که مورد استقبال بسیاری قرار گرفت و پایه اصلی نظریه پنجره‌های شکسته را فراهم کرد. این نظریه نخست در جرم‌شناسی ابداع شد و به‌مرور در حوزه‌های دیگر علوم انسانی نیز نفوذ کرد.[1] در این نظریه مفروض است که «تصاویر ناپسند و موقعیت‌های رهاشده، موجب بروز، تکرار و تشدید کردارهای نامطلوب می‌شود»؛ براین‌اساس به‌نظر می‌رسد پنجره‌ها در ایران شکسته

۱ برای مثال در جامعه‌شناسی توسعه چنین عنوان می‌شود که تصویر یک ملت از توانایی‌های خود و توفیق و شکست‌هایش می‌تواند زمینه توفیق و شکست‌های بعدی را فراهم کند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

است؛ یعنی وجود تصاویر ناپسند محقق شده است و هم از نظر مردم موقعیت رها شده است؛ یعنی امیدی به ترمیم پنجره‌های شکسته‌شده وجود ندارد. آنچه در اینجا حائز اهمیت است و مهم‌ترین پنجره شکسته محسوب می‌شود نه کمبود سرمایه اجتماعی، بلکه ناتوانی در ترمیم پنجره‌های شکسته و به‌تبع آن، ناامیدشدن جامعه از تأثیرات مثبت و بنابراین کاهش انگیزه جامعه برای ترمیم همان پنجره‌هاست(آرمین، ۱۳۹۵).

در تبیین پیامدهای فقدان امید، مفهوم «عقل بقاء» نیز قابل استفاده است. بر اساس این دیدگاه، فقدان امید و افزایش ناامیدی می‌تواند به از دست رفتن عقلانیت جمعی و رجوع افراد به عقل ابزاری با هدف حفظ بقای فردی منجر شود. در چنین شرایطی، «عقل بقاء» بر مناسبات اجتماعی غلبه می‌کند و افراد بیش از پیش بر حفظ منافع و بقای فردی خود تمرکز می‌کنند.

پیامد این فرایند، تضعیف روابط جمعی و حرکت جامعه به سمت نوعی اتمیزه‌شدن اجتماعی است؛ وضعیتی که در آن افراد به‌جای آنکه خود را بخشی از یک جمع منسجم بدانند، به‌صورت منفرد و با تمرکز بر منافع و بقای شخصی عمل می‌کنند. در این چارچوب، کاهش امید به آینده می‌تواند با کاهش اعتماد و همکاری و افزایش منفعت‌طلبی فردی همراه شود (جباری دارستانی، ۱۳۹۸).

در مجموع، سه دیدگاه نظری مطرح‌شده، ابعاد متفاوت اما مرتبطی از مسئله امید به آینده را تبیین می‌کنند. نظریه اسنایدر و همکاران، امید را به‌عنوان فرایندی شناختی ـ انگیزشی و هدف‌محور توضیح می‌دهد که بر توانایی یافتن مسیرهای دستیابی به اهداف و انگیزه حرکت در این مسیرها استوار است. نظریه پنجره‌های شکسته، نقش ادراک شرایط نامطلوب و به‌ویژه تصور ناتوانی در اصلاح و ترمیم آن شرایط را در شکل‌گیری و تداوم رفتارهای نامطلوب مورد توجه قرار می‌دهد. در نهایت، دیدگاه عقل بقاء و اتمیزه‌شدن اجتماعی، پیامدهای اجتماعی کاهش امید و غلبه منافع فردی بر منافع جمعی را توضیح می‌دهد. بر این اساس، در چارچوب نظری حاضر، امید به آینده از یک سو به تصور امکان دستیابی به آینده مطلوب و وجود مسیرهای تحقق آن و از سوی دیگر به ادراک امکان اصلاح شرایط نامطلوب موجود وابسته است. هنگامی که این امکان در ذهن افراد و جامعه تضعیف شود، زمینه برای کاهش امید، تضعیف انگیزه مشارکت و غلبه ملاحظات فردی و بقاءمحور فراهم می‌شود. از این منظر، این سه دیدگاه در کنار یکدیگر امکان تبیین پیوند میان امید به آینده، ادراک امکان تغییر و پیامدهای اجتماعی ناامیدی را فراهم می‌کنند و مبنای نظری مناسبی برای بررسی مسئله پژوهش حاضر به شمار می‌آیند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی ـ تحلیلی است که با استفاده از روش اسنادی و تحلیل داده‌های ثانویه انجام شده است. در این پژوهش، به‌منظور بررسی وضعیت امید به آینده در ایران و جهان، اطلاعات و داده‌های موجود در پیمایش‌های اجتماعی، گزارش‌های آینده‌پژوهی، گزارش‌های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

رسمی و مطالعات انجام‌شده در زمینه سرمایه اجتماعی و همچنین شاخص‌های بین‌المللی مرتبط با امید به آینده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

در بخش مربوط به ایران، داده‌ها و نتایج پیمایش‌های انجام‌شده در سال‌های مختلف، از جمله پیمایش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی و گزارش‌های آینده‌پژوهی، با هدف شناسایی روند تغییرات نگرش جامعه نسبت به آینده و بررسی جایگاه «ناامیدی درباره آینده» در میان مسائل اجتماعی کشور مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در بخش تطبیقی نیز از شاخص امید جهانی[1] و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن برای بررسی وضعیت امید در کشورهای مختلف استفاده شده است.

فرایند تحلیل داده‌ها به این صورت بوده است که ابتدا مفهوم امید به آینده و مبانی نظری مرتبط با آن بر اساس ادبیات نظری و مطالعات پیشین بررسی شده، سپس شواهد و داده‌های موجود درباره وضعیت امید در ایران استخراج و روند تغییرات آن در دوره‌های زمانی مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، با استفاده از داده‌های شاخص امید جهانی، ویژگی‌های کشورهای دارای رتبه‌های بالاتر و پایین‌تر بررسی و نمونه‌هایی از تفاوت میان کشورها مورد تحلیل قرار گرفته است. در نهایت، یافته‌های حاصل از مطالعات داخلی و داده‌های بین‌المللی در چارچوب نظری پژوهش تفسیر و برای دستیابی به جمع‌بندی درباره وضعیت امید به آینده مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، مجموعه داده‌ها و مطالعات منتشرشده درباره وضعیت امید به آینده در ایران و جهان است و واحد تحلیل، بسته به منبع مورد استفاده، جامعه ایران یا کشورهای مورد بررسی در شاخص‌های بین‌المللی است. نمونه‌گیری به معنای متعارف در این پژوهش انجام نشده و منابع بر اساس ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش، اعتبار منبع و قابلیت استفاده برای تحلیل روند امید به آینده انتخاب شده‌اند.

در تحلیل داده‌ها، از مقایسه روندی و تحلیل تطبیقی برای بررسی تغییرات امید به آینده در ایران و مقایسه وضعیت کشورهای مختلف استفاده شده است. همچنین، به‌منظور افزایش اعتبار تحلیل، تلاش شده است یافته‌های حاصل از منابع مختلف با یکدیگر مقایسه و در چارچوب نظری پژوهش تفسیر شوند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش بر اساس بررسی و تحلیل داده‌ها و مطالعات موجود، در دو سطح ملی و جهانی قابل ارائه است. در سطح ملی، روند تغییرات امید به آینده در ایران و عوامل مرتبط با کاهش آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و در سطح جهانی، وضعیت امید به آینده در کشورهای مختلف بر اساس شاخص امید جهانی و

[1] World Hope Index

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن تحلیل می‌شود. بر این اساس، ابتدا یافته‌های مربوط به وضعیت امید به آینده در ایران و سپس یافته‌های مربوط به وضعیت امید در سطح جهانی ارائه می‌شود.

وضعیت امید به آینده در ایران

در دهه ۸۰ پیمایشی با عنوان «سرمایه اجتماعی» در سال ۱۳۸۵ انجام شده است که قریب به ۴۴درصد جوانان معتقد بودند که وضعیت آینده جامعه بهتر خواهد شد؛ حدود ۳۱درصد گفته‌اند که بدتر خواهد شد و از نظر ۲۴.۳درصد وضعیت آینده تغییری نخواهد کرد(آقازاده، ۱۳۹۷). در سال ۱۳۹۳ تنها حدود ۲۴درصد از مردم ایران آینده را بهتر ارزیابی می‌کنند و حدود ۷۶درصد از مردم معتقدند که آینده بدتر می‌شود یا فرقی نمی‌کند(غفاری، ۱۳۹۳)؛ یعنی امید به آینده در مقایسه با سال ۱۳۸۵، ۲۰درصد کاهش پیدا می‌کند و این روند در نظرسنجی‌های بعدی بدتر و بدتر می‌شود؛ تاجایی‌که در آخرین پیمایش در سال ۱۳۹۷، بدترین شرایط برای امید به آینده در ایران ثبت می‌شود؛ به‌طوری‌که ۶۴.۱درصد اظهار داشته‌اند که وضعیت کل کشور روزبه‌روز بدتر می‌شود و امیدی به آینده ندارند(آقازاده، ۱۳۹۷).

در پیمایش سرمایه اجتماعی ایران که در سال ۱۳۹۳ انجام شد، یکی از شاخص‌های سنجش توفیق حکمرانی در ایران ناظر به «پنداشت جامعه از عملکرد نظام در رفع و حل مشکلات» است. نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که نزدیک به دوسوم از جامعه ایران بر این باورند که توفیق نظام در حل مشکلات کم و خیلی کم است. برایند چنین شرایطی کاهش اعتماد سازمانی و نهادی و به‌دنبال آن کاهش امید به آینده در جامعه است(غفاری، ۱۳۹۳). این موضوع زمانی جالب‌تر می‌شود که به گزارش آینده‌پژوهی سال ۱۳۹۶ نگاه می‌اندازیم.

در آینده‌پژوهی که در سال ۱۳۹۶ توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری صورت پذیرفت، در رتبه‌بندی مسائل کشور که ۷ حوزه اقتصاد، سیاست، جامعه، فرهنگ، محیط زیست، سلامت و علم‌وفناوری را پوشش می‌داد، پس از بررسی‌های صورت‌پذیرفته، ناامیدی درباره آینده را به‌عنوان پنجمین مسئله اولویت‌دار کشور شناسایی کرده‌اند؛ ولی آنچه که در این گزارش توجه انسان را به خود جلب می‌کند، جایگاه این مسئله اجتماعی در میان صد مسئله اساسی کشور نیست؛ بلکه شکاف موجود در نظر خبرگان دولتی و خصوصی در این رابطه است.

زمانی که به جزئیات این گزارش مراجعه می‌شود، متوجه عدم درک یکسان خبرگان بخش دولتی و خصوصی از مسئله مذکور می‌شویم؛ به‌طوری‌که خبرگان بخش خصوصی دومین مسئله اساسی کشور را ناامیدی درباره آینده می‌دانند؛ ولی خبرگان بخش دولتی به‌قدری این مسئله برایشان کم‌اهمیت است که آن را جزو هفت مسئله اساسی کشور نمی‌دانند (نمودار ۲ و ۳).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

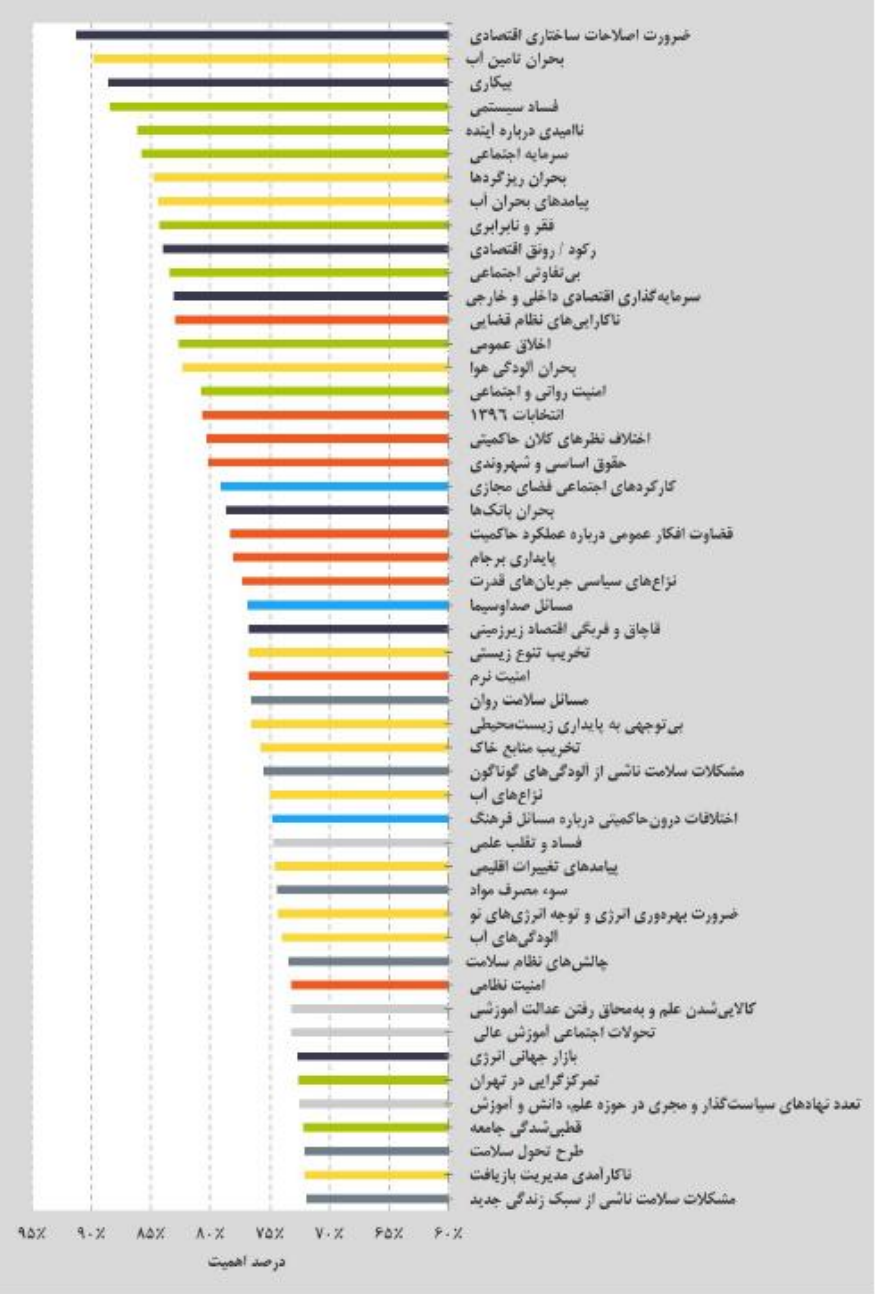

نمودار ۱: مسائل اصلی کشور طبق آینده‌پژوهی سال ۱۳۹۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

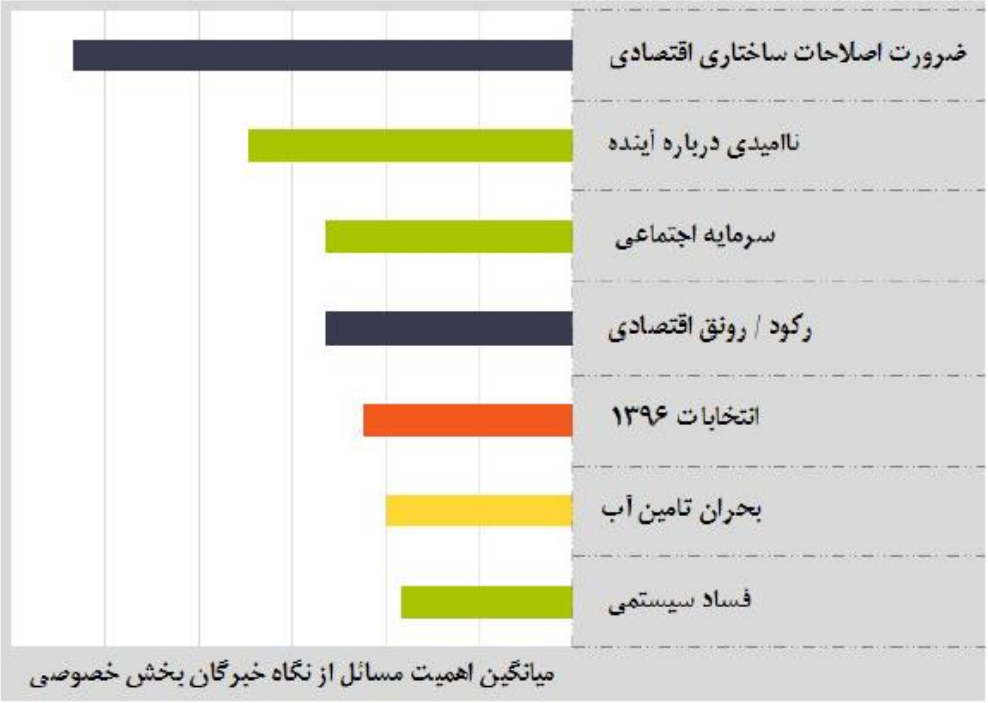

نمودار ۲: میانگین اهمیت مسائل از نگاه خبرگان بخش خصوصی

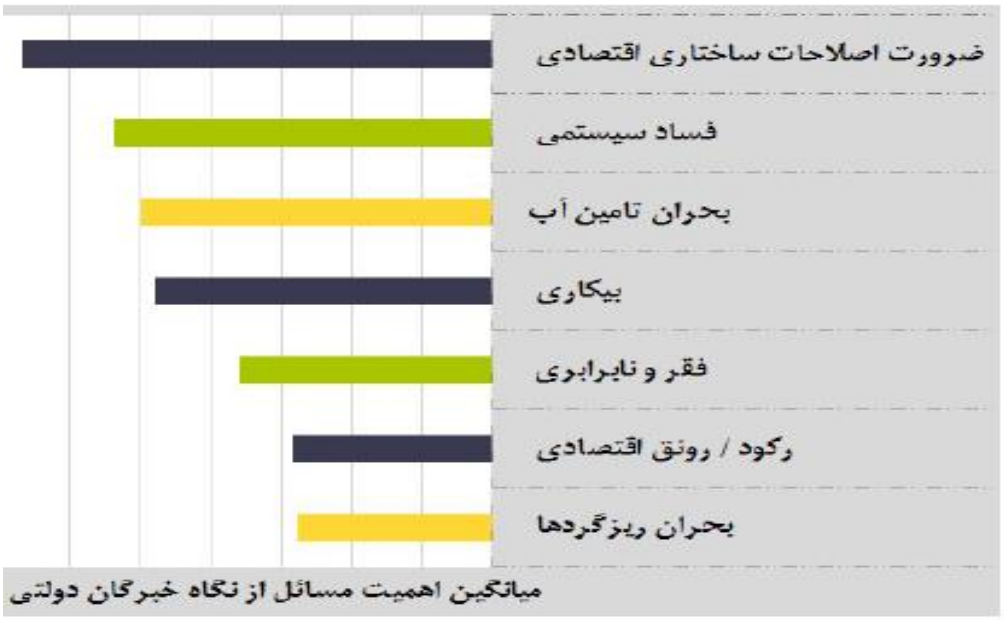

نمودار ۳: میانگین اهمیت مسائل از نگاه خبرگان دولتی

وضعیت امید در سطح جهانی

در بعد جهانی، ما دو شاخص برای تعیین وضعیت امید در جامعه داریم که اولی شاخص شادی جهانی[1] است که از حاصل شش شاخص «تولید ناخالص داخلی سرانه اجتماعی»، «حمایت»، «امید به زندگی سالم»،

1 World Happiness Index.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

«سخاوت»، «آزادی در انتخاب زندگی»، و «ادراک فساد» به‌دست می‌آید و دیگری شاخص امید جهانی[1] می‌باشد. اما اگر با دقت بیشتری به این دو شاخص توجه کنیم، متوجه تبیین دقیق‌تر شرایط توسط شاخص امید جهانی می‌شویم؛ زیرا شاخص امید جهانی توسط ترکیبات جامع سرمایه فیزیکی، فکری و اجتماعی تبیین می‌گردد؛ همچنین شاخص شادی جهانی بر اساس یک روش پیمایشی ایجاد می‌شود (برخلاف شاخص امید که از آمارهای ملی جمع‌آوری‌شده توسط دولت‌ها و آژانس‌های کمک‌های توسعه استفاده می‌کند).[2]

در جدول ۱ رتبه‌بندی کشورهای مختلف را بر مبنای شاخص امید جهانی مشاهده می‌کنید که از طریق ۹ شاخص صورت پذیرفته است:

۱. تغییر بلندمدت درآمد ملی از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵، سرانه تولید ناخالص داخلی[3] ؛
۲. تغییر کوتاه‌مدت درآمد ـ رشد تولید ناخالص داخلی (درصد سالانه).
۳. نوآوری؛
۴. بهبود منبع آب (درصد جمعیت با دسترسی)؛
۵. دسترسی به برق (درصد جمعیت)؛
۶. سرمایه‌گذاری در آموزش‌وپرورش- مخارج دولت برای آموزش، کل (درصد تولید ناخالص داخلی)؛
۷. نرخ پس‌انداز ـ پس‌انداز ناخالص داخلی (درصد از تولید ناخالص داخلی)؛
۸. مهاجرت ـ (درصد از جمعیت مهاجرت کردند)؛
۹. ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت(Waslekar, 2017).

1 World Hope Index.

[2] باتوجه‌به این توضیحات و جهت جلوگیری از پراکندگی ذهنی ناشی از رتبه‌بندی‌های مختلف کشورها و امتیازاتشان از بیان وضعیت کشورهای مختلف در شاخص شادی جهانی و تفسیر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

[3] PPP

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

جدول ۱: رتبه‌بندی شاخص امید جهانی سال ۲۰۱۷ و ضریب امید

Rank	Country	Hope Quotient
1	Ireland	0.727
2	Luxembourg	0.721
3	Switzerland	0.717
4	Sweden	0.714
5	Denmark	0.698
6	Norway	0.696
7	Singapore	0.691
8	Iceland	0.687
9	Finland	0.679
10	Netherlands	0.676
11	Austria	0.667
12	New Zealand	0.666
13	Qatar	0.664
14	Australia	0.661
15	Germany	0.656
16	Canada	0.653
17	United States	0.651
18	Belgium	0.643
19	United Kingdom	0.643
20	Czech Republic	0.636
21	Malta	0.635
22	Slovenia	0.630
23	Korea, Rep.	0.626
24	Japan	0.626
25	France	0.624
26	Estonia	0.621
27	Slovak Republic	0.613
28	Malaysia	0.610
29	Poland	0.602
30	Hungary	0.600
31	Spain	0.597
32	Chile	0.589
33	Latvia	0.588
34	Portugal	0.586
35	Lithuania	0.585
36	Oman	0.582
37	Mauritius	0.581
38	Italy	0.580
39	Uruguay	0.573
40	Saudi Arabia	0.573
41	Vietnam	0.571
42	Botswana	0.569
43	Panama	0.568
44	Bhutan	0.564
45	Cyprus	0.559
46	Seychelles	0.558
47	Barbados	0.557
48	Bulgaria	0.555
49	Argentina	0.548
50	Belarus	0.544
51	Romania	0.541
52	South Africa	0.534
53	China	0.531
54	Serbia	0.529
55	Israel	0.525
56	Brazil	0.524
57	Paraguay	0.516
58	Bolivia	0.514
59	Namibia	0.514
60	Morocco	0.511
61	Greece	0.506
62	Croatia	0.503
63	Trinidad and Tobago	0.502
64	Kazakhstan	0.502
65	Peru	0.499
66	Thailand	0.499
67	Macedonia, FYR	0.499
68	Moldova	0.498
69	Mexico	0.496
70	Ecuador	0.494
71	Ghana	0.494
72	Cote d'Ivoire	0.490
73	Tunisia	0.489
74	Russian Federation	0.487
75	Sri Lanka	0.485
76	Senegal	0.484
77	Dominican Republic	0.482
78	Indonesia	0.481
79	Jordan	0.481
80	Albania	0.477
81	Turkey	0.477
82	Colombia	0.470
83	Bahrain	0.469
84	India	0.468
85	Armenia	0.467
86	Fiji	0.465
87	Honduras	0.464
88	Jamaica	0.463
89	Azerbaijan	0.463
90	Nicaragua	0.462
91	Georgia	0.456
92	Iran, Islamic Rep.	0.453
93	El Salvador	0.453
94	Phillippines	0.448
95	Algeria	0.444
96	Tajikstan	0.440
97	Guatemala	0.433
98	Kyrgyz Republic	0.428
99	Swaziland	0.425
100	Rwanda	0.421
101	Egypt, Arab Rep.	0.420
102	Gambia, The	0.414
103	Guyana	0.405
104	Lebanon	0.405
105	Zimbabwe	0.401
106	Malawi	0.400
107	Cameroon	0.393
108	Mozambique	0.392
109	Nepal	0.390
110	Ukraine	0.389
111	Angola	0.386
112	Togo	0.385
113	Tanzania	0.375
114	Bangladesh	0.374
115	Burkina Faso	0.370
116	Kenya	0.363
117	Ethiopia	0.352
118	Nigeria	0.351
119	Zambia	0.346
120	Mali	0.346
121	Uganda	0.345
122	Niger	0.345
123	Guinea	0.341
124	Madagascar	0.337
125	Venezuela, RB	0.326
126	Myanmar	0.324
127	Pakistan	0.305
128	Sudan	0.276
129	Burundi	0.275
130	United Arab Emirates	0.184
131	Yemen, Rep.	0.084

طبق جزئیات منتشرشده در گزارش شاخص امید جهانی در سال ۲۰۱۷ میلادی، می‌توان برخی از ویژگی‌های مشترک را در ۲۵ کشور برتر یافت؛ برای مثال: بیش از ۹۰ درصد جمعیت به منابع اولیه مانند برق و آب دسترسی دارند، طی ده سال شاهد افزایش قابل‌توجهی در تولید ناخالص داخلی بوده‌اند، تأکید زیادی بر نوآوری دارند و اکثر آن‌ها از نظر سیاسی بسیار باثبات هستند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

به‌طورمشابه، ویژگی‌های مشترکی در میان ۲۵ کشور پایین وجود دارد. اکثر این کشورها دارای نرخ بالای مهاجرت به خارج، نوآوری کم، دسترسی کم به منابع حیاتی و افزایش نسبتاً پایین در سرانه تولید ناخالص داخلی هستند؛ حتی در بین کشورهایی که ظاهراً از بسیاری جهات از جمله استاندارد زندگی مشابه هستند، در رتبه‌بندی آن‌ها تفاوت‌های قابل‌توجهی وجود دارد؛ برای مثال: ایرلند رتبه ۱ و فرانسه رتبه ۲۵ را دارا می‌باشند(واسلکار[1] ، ۲۰۱۷).

ایرلند در سال ۲۰۱۷ در صدر فهرست امید جهانی قرار گرفته است. یکی از قابل‌توجه‌ترین دلایل این واقعیت این است که ایرلند در سال ۲۰۱۵ به نرخ رشد خیره‌کننده ۲۶درصد دست یافته است، که نشان می‌دهد این تغییر سریع در کوتاه‌مدت واقعاً به شکوفایی ایرلند کمک کرده است. از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵، صادرات ایرلند تقریباً ۲۰درصد افزایش، هزینه‌های دولت ۷درصد کاهش و سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌ای ۲۸درصد افزایش یافت؛ بااین‌حال این تنها تغییر کوتاه‌مدت نیست که مفید بوده است؛ بلکه تغییر در یک دوره زمانی بسیار گسترده‌تر به آن‌ها کمک کرده است. دقیقاً پنجاه سال است که ایرلند آموزش رایگان را برای شهروندان خود فراهم کرده است. اعتقاد بر این است که بیش از یک‌سوم رشد اقتصادی ایرلند در دوره ۱۹۹۰ـ۲۰۱۰ میلادی ناشی از پیشرفت تحصیلی نیروی کار است. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ میلادی اشتغال از ۱.۱ میلیون به ۱.۹ میلیون افزایش یافت که منجر به افزایش عمده استاندارد زندگی شهروندان شد؛ همچنین در زمینه کشاورزی، نیروی کار از ۲۵درصد در اوایل دهه ۱۹۷۰ به ۵درصد در سال ۲۰۰۹ کاهش یافته است. گشودگی این کشور به بازارهای جهانی به این کشور در ۲۵ سال گذشته کمک کرده است تا اوج بگیرد و اکنون مکانی بسیار جذاب برای ساکنان و گذران زندگی برای مردم سراسر جهان باشد. اگر بخواهیم وضعیت فرانسه را نیز بررسی کنیم، بهتر است که ابتدا به برخی شباهت‌های این دو کشور با یکدیگر بپردازیم. این دو کشور از اعضای فعال اتحادیه اروپا هستند؛ هر دو کشورهای سرمایه‌بر هستند و در چندین جبهه بسیار نوآورند؛ همچنین فرانسه و ایرلند هر دو به‌طور عمده از نظر فلسفه، ماشین و حتی علم در جهان پیشرو هستند. علاوه‌براین هم فرانسه، هم ایرلند تولید ناخالص داخلی بیش از ۴۰.۰۰۰ دلار دارند؛ با این‌حال چرا در سطح امید، اختلاف وجود دارد؟ تغییر در تولید ناخالص داخلی (بیش از ده سال) ایرلند، سه برابر فرانسه است که یک شاخص بسیار تأثیرگذار است؛ همچنین ایرلند نیز از نظر سیاسی ثبات بیشتری نسبت به فرانسه دارد که به آن برتری می‌دهد. بیکاری در دهه‌های گذشته همواره یکی از موضوعات مهم در فرانسه بوده است و هر کدام از دولت‌ها سعی کرده‌اند با این چالش بزرگ مقابله کنند. نرخ بیکاری جوانان ۲۳.۷درصد است و «آخرین باری که نرخ رشد از مرز ۳درصد فراتر رفت، ۱۷ سال پیش بوده است. علاوه‌براین افزایش حملات تروریستی در چند سال اخیر به‌عنوان یک عامل غالب برای کاهش سطح امید

[1] Waslekar

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

عمل کرده است؛ درحالی‌که فرانسه از بسیاری جهات شبیه ایرلند است، در بسیاری از جنبه‌های دیگر با آن متفاوت است(واسلکار ، ۲۰۱۷)

درخصوص نتایج امید به آینده در جهان این نکته قابل ذکر است که جدول ۱ دارای یک ناهنجاری است. تنها ناهنجاری این جدول، رتبه پایین امارات متحده عربی است (رتبه ۱۳۰). دلیل اصلی آن هم این است که درحالی‌که تقریباً اکثر کشورها درآمد سرانه خود را در ده سال گذشته افزایش داده‌اند، تولید ناخالص داخلی سرانه امارات متحده عربی به میزان قابل توجهی کاهش یافته است؛ از سوی‌دیگر امارات متحده عربی به‌عنوان مقصدی برای امید شناخته می‌شود که کارگران آسیایی برای کار در بخش ساخت‌وساز به آنجا می‌روند و تجار برای استفاده از رژیم مالیاتی لیبرال و سهولت انجام تجارت. تمرکز دولت امارات روی آینده است و حتی وزیر آینده هم دارد! در یک ترمیم کابینه که در اکتبر سال ۲۰۱۷ انجام شد، متخصصان جوان در دهه ۲۰ و اوایل ۳۰ سالگی به‌عنوان وزرای مسئول علوم پیشرفته، ایجاد دانش، هوش مصنوعی و توانمندسازی جوانان منصوب شدند. در واقع برنامه‌های روشنی برای ایجاد آینده‌ای پر از امید وجود دارد که بتواند امارات متحده عربی را با پیشرفته‌ترین بخش‌های جامعه علمی آمریکا، از جمله آرزوی فرود انسان در مریخ، برابر کند. بااین‌حال این حقایق در شاخص منعکس نشده است؛ زیرا مختص آن کشور است(واسلکار ، ۲۰۱۷).اگر بخواهیم وضعیت شاخص امید جهانی را بررسی کنیم، مشاهده می‌کنیم که ۵۱درصد مردم جهان انتظار بدترشدن یا ثابت‌ماندن وضعیت کنونی جهان در سال ۲۰۲۳ را انتظار را دارند؛ یعنی امید به آینده در جهان نسبت به سال ۲۰۲۲، کاهش یافته است[1](انجمن بین‌المللی گالوپ[2]، ۲۰۲۳).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که امید به آینده را نمی‌توان صرفاً یک ویژگی فردی یا یک احساس ذهنی نسبت به آینده تلقی کرد، بلکه این مفهوم با مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی، اجتماعی، نهادی و سیاسی جامعه پیوند دارد. بررسی روند داده‌های موجود در ایران نشان می‌دهد که ارزیابی مثبت جامعه نسبت به آینده در طول زمان کاهش یافته و در مقابل، نگرش‌های بدبینانه نسبت به آینده افزایش پیدا کرده است. همچنین، قرار گرفتن «ناامیدی درباره آینده» در میان مسائل اولویت‌دار کشور در گزارش‌های آینده‌پژوهی، اهمیت این مسئله را در سطح ملی نشان می‌دهد.

۱ باتوجه‌به اینکه این مؤسسه از نمونه‌های ۱۰۰۰ شهروندی در هر کشور استفاده کرده است، از آوردن گزارش‌های مربوط به بخش خاورمیانه یا حتی رتبه‌بندی کشورها خودداری نموده‌ام؛ زیرا شاید این روش پیمایش بتواند در کشورهای کوچک و همگن مانند کشورهای اروپایی با جمعیت چندمیلیونی کارایی داشته باشد؛ ولی اینکه بگوییم که یک نمونه ۱۰۰۰ نفری می‌تواند وضعیت چین با جمعیت حدود 1/4 میلیارد یا اندونزی با جمعیت حدود ۲۵۰ میلیون نفر را منعکس کند، چندان معتبر نیست.

[2] Gallup International Association

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

مطابق پژوهش‌های انجام‌شده و گزارش‌های آینده‌پژوهی، وضعیت امید به آینده در ایران در حال کاهش است. در آینده‌پژوهی که در سال ۱۳۹۶ توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری صورت پذیرفت، در رتبه‌بندی مسائل کشور که هفت حوزه اقتصاد، سیاست، جامعه، فرهنگ، محیط‌زیست، سلامت و علم و فناوری را پوشش می‌داد، پس از بررسی‌های صورت‌پذیرفته، «ناامیدی درباره آینده» به‌عنوان پنجمین مسئله اولویت‌دار کشور شناسایی شد. با این حال، اهمیت این یافته صرفاً در جایگاه این مسئله در میان مسائل اساسی کشور نیست، بلکه شکاف موجود میان دیدگاه خبرگان دولتی و خصوصی درباره اهمیت آن نیز قابل توجه است. بررسی جزئیات این گزارش نشان می‌دهد که برداشت یکسانی از این مسئله در میان دو گروه وجود نداشته است؛ به‌طوری‌که خبرگان بخش خصوصی، ناامیدی درباره آینده را دومین مسئله اساسی کشور دانسته‌اند، در حالی که خبرگان بخش دولتی این مسئله را حتی در میان هفت مسئله اساسی کشور قرار نداده‌اند. این تفاوت در ادراک اهمیت ناامیدی درباره آینده، از منظر نظری نیز قابل توجه است؛ زیرا امید اجتماعی تنها به شرایط عینی جامعه وابسته نیست، بلکه نحوه ادراک و تفسیر این شرایط توسط کنشگران اجتماعی نیز در شکل‌گیری آن نقش دارد. در واقع، ممکن است یک وضعیت واحد از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی به شکل‌های متفاوتی ارزیابی شود و در نتیجه، میزان احساس نگرانی یا امید آنان نسبت به آینده نیز متفاوت باشد. از این منظر، شکاف میان خبرگان دولتی و خصوصی را می‌توان نشانه‌ای از تفاوت در ادراک مسئله و اهمیت آن دانست؛ تفاوتی که خود می‌تواند بر نحوه سیاست‌گذاری و مواجهه با مسئله امید به آینده اثرگذار باشد. این یافته با نظریه امید اسنایدر نیز قابل تفسیر است. بر اساس این نظریه، امید زمانی شکل می‌گیرد که افراد علاوه بر داشتن اهداف مطلوب، امکان یافتن مسیرهای دستیابی به آن اهداف و انگیزه حرکت در این مسیرها را نیز ادراک کنند. بنابراین، اگر بخش‌هایی از جامعه نسبت به امکان اصلاح شرایط موجود و دستیابی به آینده مطلوب تردید داشته باشند، کاهش امید می‌تواند پیامد طبیعی چنین ادراکی باشد. در این چارچوب، توجه به ادراک گروه‌های مختلف اجتماعی از آینده، در کنار بررسی شاخص‌های عینی اقتصادی و اجتماعی، اهمیت پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، این یافته را می‌توان در چارچوب نظریه پنجره‌های شکسته نیز مورد توجه قرار داد. هنگامی که مشکلات موجود در جامعه برای مدت طولانی ادامه پیدا کنند و افراد نشانه‌های کافی از امکان اصلاح و ترمیم آن‌ها مشاهده نکنند، ممکن است این تصور شکل گیرد که شرایط موجود تغییرپذیر نیست. در چنین وضعیتی، مسئله اصلی صرفاً وجود مشکلات نیست، بلکه از بین رفتن باور به امکان ترمیم آن‌ها است. استمرار چنین ادراکی می‌تواند زمینه کاهش انگیزه برای مشارکت در اصلاح شرایط و بازتولید ناامیدی را فراهم کند.

از منظر عقل بقاء و اتمیزه‌شدن اجتماعی نیز کاهش امید می‌تواند پیامدهای مهمی برای مناسبات اجتماعی داشته باشد. هنگامی که افراد افق روشنی از آینده نمی‌بینند و نسبت به امکان بهبود شرایط اطمینان خود را از

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

دست می‌دهند، ممکن است افق تصمیم‌گیری آنان کوتاه‌تر شده و حفظ منافع فردی و بقای شخصی بر منافع جمعی غلبه کند. در چنین شرایطی، کاهش اعتماد، مشارکت و همکاری اجتماعی و افزایش رفتارهای فردگرایانه می‌تواند به تضعیف انسجام اجتماعی منجر شود.

در سطح جهانی نیز یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امید به آینده با مجموعه‌ای از ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، زیرساختی و سیاسی ارتباط دارد. قرار گرفتن رشد اقتصادی، نوآوری، دسترسی به منابع حیاتی، سرمایه‌گذاری آموزشی، پس‌انداز، مهاجرت و ثبات سیاسی در میان مؤلفه‌های شاخص امید جهانی نشان می‌دهد که امید اجتماعی در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه با ظرفیت‌های واقعی و ادراک‌شده جامعه برای ساخت آینده ارتباط دارد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امید به آینده را باید هم‌زمان پیامد شرایط موجود و یکی از عوامل مؤثر بر تداوم یا تغییر این شرایط در نظر گرفت. شرایط اقتصادی، اجتماعی و نهادی بر ادراک افراد از آینده تأثیر می‌گذارند؛ اما همین ادراک از آینده نیز می‌تواند بر میزان مشارکت، همکاری و آمادگی افراد برای اصلاح شرایط اثرگذار باشد. از این رو، کاهش امید می‌تواند چرخه‌ای منفی ایجاد کند که در آن شرایط نامطلوب به کاهش امید، کاهش مشارکت و تداوم شرایط نامطلوب منجر شود؛ در مقابل، ایجاد نشانه‌های واقعی از امکان اصلاح می‌تواند زمینه شکل‌گیری چرخه‌ای مثبت میان بهبود شرایط، افزایش امید، تقویت مشارکت و بهبود بیشتر شرایط را فراهم کند. بنابراین، مسئله اصلی صرفاً این نیست که جامعه «امیدوار» یا «ناامید» است؛ بلکه باید پرسید آیا افراد و گروه‌های اجتماعی، مسیر و امکان واقعی برای حرکت از وضعیت موجود به سوی آینده‌ای مطلوب را قابل تصور و دست‌یافتنی می‌دانند یا خیر. بر این اساس، تقویت امید به آینده بیش از آنکه مستلزم توصیه به خوش‌بینی باشد، نیازمند ایجاد امکان واقعی، قابل مشاهده و باورپذیر برای تغییر، اصلاح و ساخت آینده است.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش می‌توان گفت که وضعیت امید به آینده در ایران و جهان، بر اساس شواهد و داده‌های بررسی‌شده، با روندی نگران‌کننده همراه است. در ایران، یافته‌های پیمایش‌های مختلف نشان‌دهنده کاهش تدریجی امید به آینده و افزایش نگرش‌های بدبینانه نسبت به آینده است؛ به‌گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷، سهم افرادی که آینده را مطلوب‌تر ارزیابی می‌کردند کاهش یافته و ناامیدی درباره آینده نیز در میان مسائل مهم و اولویت‌دار کشور قرار گرفته است. در سطح جهانی نیز اگرچه وضعیت کشورها یکسان نیست و میان آن‌ها تفاوت‌های قابل‌توجهی وجود دارد، یافته‌های شاخص امید جهانی نشان می‌دهد که امید به آینده با ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، زیرساختی و سیاسی کشورها ارتباط دارد و کشورهایی که از ظرفیت بیشتری برای ساخت آینده برخوردارند، عموماً در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارند. همچنین بر اساس داده‌های مورد بررسی، در سطح جهانی نیز نگرش نسبت به آینده

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

در سال‌های اخیر با کاهش همراه بوده است. بنابراین، پاسخ کلی به پرسش پژوهش آن است که امید به آینده در ایران روندی کاهشی و نگران‌کننده داشته و در سطح جهانی نیز، با وجود تفاوت میان کشورها، نشانه‌هایی از کاهش امید نسبت به آینده مشاهده می‌شود؛ روندی که اهمیت توجه به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت امید اجتماعی را بیش از پیش آشکار می‌کند.

پیشنهادهای پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. تقویت اعتماد و کارآمدی نهادی

با توجه به ارتباط میان ارزیابی عملکرد نهادها و امید به آینده، افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و کارآمدی نهادهای عمومی و ارائه گزارش روشن از اقدامات و نتایج حاصل از آن‌ها می‌تواند در تقویت اعتماد و امید اجتماعی مؤثر باشد.

۲. ایجاد شواهد ملموس از امکان تغییر

برای مقابله با ناامیدی، صرف ارائه وعده‌های مربوط به آینده کافی نیست. لازم است برنامه‌های اصلاحی به نتایج قابل مشاهده و قابل سنجش منجر شوند تا افراد بتوانند امکان تغییر شرایط را در تجربه واقعی خود مشاهده کنند.

۳. تقویت مشارکت اجتماعی

ایجاد سازوکارهایی برای مشارکت واقعی شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل اجتماعی می‌تواند احساس اثرگذاری افراد بر آینده را افزایش دهد. مشارکت زمانی می‌تواند به تقویت امید منجر شود که افراد احساس کنند مشارکت آنان واقعاً در نتایج تصمیم‌ها تأثیر دارد.

۴. توجه به سرمایه انسانی و آموزش

با توجه به نقش آموزش، نوآوری و سرمایه فکری در شاخص امید جهانی، سرمایه‌گذاری پایدار در آموزش، پژوهش، مهارت‌آموزی و نوآوری می‌تواند ظرفیت جامعه برای ساخت آینده را افزایش دهد و در نتیجه به تقویت امید کمک کند.

۵. ایجاد چشم‌انداز روشن اقتصادی

کاهش نااطمینانی اقتصادی، افزایش فرصت‌های شغلی، تقویت امنیت سرمایه‌گذاری و فراهم کردن امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای خانوارها و کسب‌وکارها، از جمله اقداماتی است که می‌تواند افق زمانی تصمیم‌گیری افراد را از منافع کوتاه‌مدت به سمت برنامه‌ریزی بلندمدت سوق دهد.

۶. توجه ویژه به مسئله مهاجرت

[Downloaded from jnriihs.ir on 2026-11-08]

با توجه به اینکه مهاجرت یکی از مؤلفه‌های شاخص امید جهانی است و در متن پژوهش نیز به‌عنوان یکی از پیامدهای ناامیدی مورد توجه قرار گرفته، لازم است عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت، به‌ویژه در میان جوانان و نیروهای متخصص، به‌صورت مستمر پایش و سیاست‌های مؤثر برای افزایش جذابیت ماندن و فعالیت در کشور طراحی شود.

۷. سنجش مستمر امید به آینده

پیشنهاد می‌شود پیمایش دوره‌ای و استاندارد امید به آینده در سطح ملی انجام شود تا تغییرات نگرش جامعه نسبت به آینده در طول زمان قابل اندازه‌گیری باشد. چنین پیمایشی می‌تواند علاوه بر سنجش سطح امید، عوامل مؤثر بر آن و تفاوت‌های گروه‌های اجتماعی و مناطق مختلف کشور را نیز مشخص کند.

۸. توجه به ترمیم «پنجره‌های شکسته»

بر اساس نظریه پنجره‌های شکسته، سیاست‌گذاری باید علاوه بر مسائل کلان، به مسائل و نشانه‌های ملموس بی‌نظمی و رهاشدگی نیز توجه کند. ترمیم تدریجی مشکلات قابل مشاهده و ارائه نتایج سریع و ملموس می‌تواند این پیام را به جامعه منتقل کند که اصلاح شرایط امکان‌پذیر است و از این طریق، زمینه بازسازی امید فراهم شود.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

با توجه به ماهیت اسنادی پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، رابطه میان امید به آینده و متغیرهایی مانند اعتماد نهادی، احساس امنیت، سرمایه اجتماعی، تمایل به مهاجرت، مشارکت اجتماعی و ارزیابی وضعیت اقتصادی به‌صورت پیمایشی و با استفاده از داده‌های جدید بررسی شود. همچنین انجام مطالعات تطبیقی میان ایران و کشورهای منتخب می‌تواند به شناسایی عوامل مؤثر بر تفاوت سطح امید در جوامع مختلف کمک کند.

منابع

آرمین امیر (۱۳۹۵)، پنجره شکسته‌های رهاشده (جستارهایی در سرمایه اجتماعی در ایران)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

آقازاده، معصوم (۱۳۹۷)، امید به آینده جوان ایرانی، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا).

جباری دارستانی، علیرضا. (۱۳۹۸)، ناامیدی اجتماعی و تسلط عقل بقا در جامعه ایرانی، خبرگزاری مهر، ۴ تیر ۱۳۹۸ ساعت ۸:۵۶. ناامیدی-اجتماعی-و-تسلط-عقل-بقا-در-جامعه-ایرانی.

غفاری، غلامرضا.(۱۳۹۳)، سنجش سرمایه اجتماعی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، به سفارش مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.

Gallup International Association. (2023). *Anniversary survey 2023: Polling around the world*. Gallup International Association.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

Snyder, C. R., Shorey, H. S., Cheavens, J., Mannpulvers, K. M., Adams, V. H., Wiklund, C. (2002). Hope and academic success in college. *Journal of educational psychology, 94(4),* pp 820-826.

Waslekar. Rahul S. (2017), The World Hope Index, Journal of Young Investigator.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]

Global Perceptions of the Future

Mohammadreza Fathi[1]*,Seyedeh Narges Hoseiniamin[2]

1Business Administration, Marketing, Payame Noor University, Tehran, Iran
2Sociology, Economic sociology and development, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
*Corresponding author email address: mrf1396@gmail.com

Abstract

Hope for the future is one of the important components of the social condition of societies and is associated with individuals' perceptions of the future, social participation, and individual and collective behavior. A decline in hope may lead to increased distrust, individualism, short-term self-interest, and weakened social participation. This study aims to examine the state of hope for the future in Iran and the world and to identify its trends over time. This applied study employs a descriptive-analytical approach based on documentary research and secondary data analysis. The data were collected from social surveys, foresight reports, and international indices related to hope for the future and were analyzed within the frameworks of Snyder's Hope Theory, Broken Windows Theory, and the concept of survival rationality. The findings indicate that hope for the future in Iran has followed a declining trend during the period under review, accompanied by an increase in pessimistic perceptions of the future. Furthermore, hopelessness about the future has emerged as one of the major issues facing the country, and a gap exists between government and private-sector experts regarding the significance of this issue. At the global level, levels of hope vary across countries, and factors such as economic growth, innovation, education, and political stability are associated with hope for the future. Hope for the future is not merely an individual phenomenon but is associated with objective conditions and society's perception of the possibility of change and improvement. Therefore, strengthening hope requires creating tangible evidence of the possibility of improvement, enhancing institutional trust and effectiveness, and strengthening social participation.

Keywords: Hope for the Future, Social Hope, Hopelessness, Social Capital, World Hope Index.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-08]